

ارزش علم و جایگاه علم آموزی در اسلام

پرسش : علم و آموختن آن از دید اسلام چه جایگاه و ارزشی دارد؟ پاسخ اجمالی :

در آیات و روایات متعدد اسلامی به ثمرات و ویژگی های بسیار والای علم و علم آموزی اشاره شده است؛ مثلاً گفته شده که علم هدف آفرینش جهان، یکی از اهداف بعثت انبیاء، وجه ممیزه بشر، یکی از لوازم مدیریت و رهبری، سرچشمه ایمان و تقوا و خداترسی و قدرت و ... است. به همین خاطر می بینیم که پیشوایان دینی ما هیچ محدودیت جنسیتی، زمانی و مکانی را به عنوان بهانه ای برای ترک تحصیل دانش نمی پذیرفتند؛ مثلاً از حضرت علی(ع) روایت شده که فرموده دانش را حتی از مشرکین نیز فرا بگیرید.

پاسخ تفصیلی :

ر منابع حدیثی و تفاسیر موضوعی قرآن کریم، ابواب متعددی راجع به ارزش و جایگاه علم و علم آموزی در اسلام تدوین شده است و این همه نشان گر اهمیت این موضوع در نگاه این دین مبین است. ما در اینجا تحت عناوینی فهرست وار «برخی» از مهم ترین آیات و روایات این موضوع را مرور می کنیم.

ارزش علم:

ارزش علم را در تعالیم اسلامی می توان از این حقیقت قرآنی دریافت که دعوت اسلام با دعوت به علم آغاز شده است. خداوند در نخستین آیات سوره علق می فرماید: «اقْرَأْ بِسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»؛ (بخوان به نام پروردگارت که [جهان را] آفرید، و انسان را از خون بسته ای خلق کرد بخوان که پروردگارت [از همه] والاتر است، همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود، و به انسان آنچه را نمی دانست آموخت)

این آیات که از نخستین جرقه های وحی بر قلب پاک پیامبر(صلی الله علیه وآله) (در غار حرا) حکایت می کند، با مسأله معرفت شروع و پایان می گیرد؛ نخست از قرائت که یکی از ابزار

شناخت است سخن می گوید و در آخر نیز از معلم بزرگ عالم هستی (یعنی خداوند که انسان شاگرد کوچک دبستان او است) بحث می کند. اینها دلیل روشنی بر ارزش و لزوم علم آموزی است (۱).

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) نیز در بیان شرافت علم می فرماید: «كَفَى بِالْعِلْمِ شَرَفًا أَنْ يَدْعِيَهُ مَنْ لَا يُحْسِنُهُ وَيَفْرَحَ إِذَا نُسِبَ إِلَيْهِ وَكَفَى بِالْجَهْلِ ذِمًّا يَبْرَأُ مِنْهُ مَنْ هُوَ فِيهِ (۲)»؛ (در شرافت علم همین بس که افرادی که از آن آگاه نیستند آن را ادعا می کنند و اگر به آنان نسبت داده شود خوشحال می شوند. و در مذمت جهل همین بس که حتی دارندگانش از آن تبری می جویند.)

علم هدف آفرینش:

در آیه ۱۲ سوره طلاق، علم و دانش هدف آفرینش جهان معرفی شده است؛ خداوند در این آیه می فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا»؛ (خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آن ها را، فرمان [و تدبیر] او در میان آنها پیوسته فرود می آید، تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و این که علم خدابه همه چیز احاطه دارد). این آیه به وضوح این حقیقت را می رساند که یکی از اهداف آفرینش جهان آگاه ساختن انسان ها از علم و قدرت خداوند و معرفت ذات و صفات او است (۳).

امام حسین (علیه السلام) نیز در بیانی نزدیک به مضمون این آیه می فرماید: «يُيْهَى النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلُّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ (۴)»؛ (ای مردم! خداوند متعال بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند، هنگامی که او را شناختند او را عبادت می کنند، و هنگامی که عبادتش کردند از بندگی غیر او بی نیاز می شوند)

علم هدف بعث انبیاء:

موضوع دیگری که به صورت مکرر در آیات قرآن مورد تأکید قرار گرفته و ارزش علم آموزی و تربیت را نشان می دهد، این معنا است که تعلیم و تربیت یکی از اهداف بعثت انبیاء بوده است. برای مثال در آیه ۱۵۱ سوره بقره این معنا را صریحاً می خوانیم که: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا

مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»؛
(همان گونه که رسولی [برای هدایت شما] پیامبری از خودتان در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاکیزه سازد و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی دانستید به شما یاد دهد). اگر معرفت و شناخت معارف و حکمت الهی امکان نداشت چگونه ممکن بود یکی از اهداف مهم بعثت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را تشکیل دهد (۵).

علم ملاک برتری انسانها:

علم در قرآن به عنوان وجه ممیزه بشر و معیار برتری انسان دانسته شده است؛ چنانکه در آیه ۳۳ سوره بقره می خوانیم: « قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئِهِمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ»؛ (فرمود: ای آدم! آنان را از اسامی [و اسرار] این موجودات آگاه کن. هنگامی که آدم آنان را آگاه کرد خداوند فرمود: آیا به شما نگفتم که من غیب آسمان ها و زمین را می دانم؟! و می دانم آنچه را شما آشکار می کنید و آنچه را پنهان می داشتید)

این سخن بعد از آن گفته شد که خداوند به فرشتگان دستور داد هنگامی که خلیفه و نماینده خودم «آدم» را آفریدم همه در برابر او سجده و خضوع کنید و از این طریق برتری او را آشکار سازید. فرشتگان هنگامی که آمادگی و استعداد آدم را برای علم و معرفت در بالاترین حد یافتند پی به این حقیقت بردند که چرا او خلیفه الله و گل سر سبد عالم هستی است و از گفت و گویی که قبلاً در این زمینه کرده بودند نادم و پشیمان گشتند (۶).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز در بیانی به قیمت یافتن آدمی به واسطه علم اشاره می کند و می فرماید: « أَكْثَرُ النَّاسِ قَيْمَةٌ أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقْلُ النَّاسِ قَيْمَةٌ أَقْلُهُمْ عِلْمًا (۷) »؛ (آن کس که علمش از همه افزون تر باشد قیمتش از همه بیشتر است و آن کس که علمش از همه کمتر باشد قیمتش از همه کمتر).

همچنین در معنایی شبیه به همین حدیث، در آیه ۱۱ سوره مجادله می خوانیم: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ »؛ (ای کسانی که ایمان آورده

ایدا! هنگامی که به شما گفته شود: «مجلس را وسعت بخشید [وبه تازه واردها جا دهید]»، وسعت بخشید، خداوند [بهشت را] برای شما وسعت می بخشد؛ و هنگامی که گفته شود: «برخیزید»، برخیزید؛ اگر چنین کنید، خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است) در آغاز این آیه سخن از چند دستور اخلاقی درباره آداب مجلس است و به دنبال آن درجات عالمان و مؤمنان را در پیشگاه خداوند به عنوان نتیجه و پاداش کسانی که به این دستورات عمل کنند ذکر می کند» (۸). درجات» جمع «درجه» و به معنای پله هایی است که به طرف بالا می رود (۹). تعبیر «درجات» به صورت نکره اشاره ای است به عظمت این درجات و جمع بودن آن شاید اشاره ای است به تفاوت میان عالمان در این درجات. به هر حال منظور از بالا بردن درجات مسلماً بالا بردن مکانی نیست بلکه بالا بردن از نظر مقام قرب در درگاه خداوند است (۱۰).

علم از لوازم مدیریت و رهبری:

در گفتمان اسلامی، علم و دانش همیشه به عنوان یکی از لوازم مدیریت و رهبری شناخته می شود. در سوره یوسف و در گزارشی که از سرگذشت این پیامبر الهی در قرآن شده است، می خوانیم که وقتی مقام مهمی در حکومت به آن جناب پیشنهاد شد، ایشان - در آیه ۵۵ این سوره - فرمود: «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ»؛ [یوسف گفت:] مرا سرپرست خزاین سرزمین [مصر] قرار ده، که من نگاهبانی آگاهم).

همچنین در داستان بنی اسرائیل می خوانیم هنگامی که آمادگی خود را برای پیکار با پادشاه ظالمی به نام «جالوت» که آنها را در به در ساخته بود به پیامبر عصر خود اعلام و از او تقاضا نمودند رهبر و فرماندهی برای آنان برگزیند تا تحت فرمان او با جالوت ستمگر پیکار کنند، پیامبرشان - در آیه ۲۴۷ سوره بقره - به آنها چنین گفت: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ (خداوند طالوت را برای زمام داری شما برگزیده است. گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند با این که ما از او شایسته تریم و او ثروت زیادی ندارد؟! گفت: خدا او را بر شما برگزیده و او را در دانش و

توانایی جسمانی، فزونی بخشیده است. خداوند مُلکش را به هر کس بخواهد می بخشد؛ و احسان خداوند گسترده است و [از لیاقت افراد] آگاه است)

طالوت که به زمام داری بنی اسرائیل برای رسالت مهمی، یعنی پیکار با یک پادشاه مقتدر ظالم برگزیده شد، یک نفر روستایی زاده بود که در یکی از دهکده ها در ساحل رودخانه ای به صورت گمنام می زیست و چهارپایان پدرش را به چرا می برد و کشاورزی می کرد! اما قلبی آگاه و جسمی نیرومند داشت و شناخت و معرفت او نسبت به مسایل بسیار دقیق و عمیق بود. هنگامی که چشم اشموئیل (علیه السلام) که پیامبر بنی اسرائیل بود بر او افتاد او را به زمام داری بنی اسرائیل برگزید و هر قدر سران بنی اسرائیل که معیار ارزش و گزینش را موهوماتی همچون فزونی ثروت و یا اسم و رسم پدر و مادر و فامیل می دانستند به اشموئیل اعتراض کردند که با وجود ما که افراد ثروتمند سرشناس بنی اسرائیلیم طالوت شایستگی این مقام را ندارد او اعتنا نکرد و گفت: «این یک انتخاب الهی است و همه شما باید در برابر آن تسلیم باشید». این دو آیه به خوبی نشان می دهد که علم و آگاهی و معرفت از اساسی ترین عناصر رهبری و زمامداری و مدیریت است (۱۱).

امام صادق (علیه السلام) نیز در اشاره به این تأثیر و کارکرد علم و دانش می فرماید: «الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ وَالْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى الْمُلُوكِ (۱۲)»؛ (زمام داران بر مردم حکومت می کنند و دانشمندان بر زمام داران)

علم سرچشمه ایمان و تقوا:

آموزه های اسلامی به ما یاد می دهند که علم، سرچشمه ایمان است و پیوند محکمی با آن دارد. قرآن کریم در آیات متعددی از یک سو - مثلاً در آیه ۶ سوره سبأ - می فرماید: «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»؛ (کسانی که به ایشان علم داده شده، می دانند آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است و به راه خداوند توانا و ستوده هدایت می کند). از سوی دیگر در آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ اسراء می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا * وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا»؛ [بگو: خواه به آن ایمان بیاورید یا نیاورید] کسانی که پیش از آن به آنها

دانش داده شده هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می شود سجده کنان به خاک می افتند * و می گویند: منزه است پروردگار ما که وعده اش به یقین انجام شدنی است)

ایمان تنها ثمره علم نیست و این ودیعه الهی ثمرات دیگری چون تقوا و خداترسی نیز دارد. در قرآن کریم و در آیه ۲۸ سوره فاطر می خوانیم: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»؛ (تنها از میان بندگان او دانشمندان خداترسند خداوند توانا و آمرزنده است). (این تعبیر به خوبی نشان می دهد که تبیین آیات مقدمه ای برای آگاهی است و آگاهی وسیله ای برای تقوا.

مسلماً هر جا «علم» هست، الزاماً «تقوا» نیست چرا که عالم بی عمل نیز پیدا می شود ولی بدون شک علم مقدمه و زمینه ای است برای تقوا و از سرچشمه های اصلی آن محسوب می شود. علم غالباً تقوا را همراه می آورد. علمی که سرچشمه ایمان است سرچشمه تقوا نیز خواهد بود و به عکس جهل غالباً عامل بی تقوایی و ناپرهیزگاری است (۱۳).

از حضرت علی (علیه السلام) نیز روایت شده است که فرمود: «أَعْظَمُ النَّاسِ عِلْمًا أَشَدَّهُمْ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ (۱۴)»؛ (آن کس که علمش از همه بیشتر است خدا ترسی اش از همه شدیدتر است)

علم سرچشمه قدرت:

علاوه بر ایمان و تقوا، در سپهر معارف دینی علم سرچشمه قدرت دانسته شده است. لذا تولید و رشد علم در جامعه اسلامی سبب اقتدار آن خواهد شد.

خداوند در آیه ۴۰ سوره نمل می فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي...»؛ (اما) کسی که دانشی از کتاب [آسمانی] داشت گفت: من پیش از آن که چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد! و هنگامی که [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود ثابت و پایرجا دید گفت این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می آورم یا کفران می کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می کند و هر کس کفران نماید [به خودش زیان رسانده] چرا که پروردگار من، بی نیاز و بخشنده است).

این آیه مربوط به داستان سلیمان (علیه السلام) و ملکه سبا است هنگامی که می خواست تخت او را نزد خود آورد، نخست یکی از سران زورمند جن پیشنهاد کرد که من پیش از آن که از این

مجلس برخیزی آن را برای تو می آورم، ولی آن مرد که علم کتاب داشت (وزیر سلیمان، آصف بن برخیا) و این علم و آگاهی به او امکان می داد که دست به کارهای خارق عادت زند، گفت: من تخت او را پیش از آن که چشم برهم زنی نزد تو خواهم آورد، و سرانجام چنین کرد، و سلیمان (علیه السلام) سپاس خداگفت که چنین دوستان و یاورانی دارد. این آیه هرچند در مورد خاصی وارد شده؛ ولی [نمونه بارزی از اقتدار است که منشا آن علم می باشد و] اجمالا رابطه علم و قدرت را به خوبی آشکار می سازد و تشویق و ترغیبی است برای کسب علم بیشتر (۱۵).

از حضرت علی (علیه السلام) نیز روایت شده است که فرمود: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالَ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صِيلَ عَلَيْهِ (۱۶)»؛ (دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد بر او یورش برند)

توصیه پیشوایان دینی بر آموختن علم:

به خاطر همه این آثار و برکات است که خداوند در آیه ۹ سوره زمر به برتری کسانی که از علم بهره ای دارد در مقابل کسانی که از این موهبت بی بهره اند تصریح نموده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟» (بگو: «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟»). و بزرگان دینی در سخنان بسیار متعددی همواره مسلمانان را به فراگیری هر چه بیشتر دانش و معرفت تشویق کرده اند.

برای مثال می بینیم که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در یک جا فراگیری دانش را برای همه مسلمانان، چه زن و چه مرد لازم می دانند؛ ایشان می فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ (۱۷)». «و در جایی دیگر تصریح می کند که دوری مکان نباید مانع کسب علم شود و می فرماید: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ (۱۸)». «و در بیانی دیگر به همگان این نکته را گوش زد می کند که زمان نیز نباید برای هیچ کس محدودیتی برای کسب علم ایجاد کند؛ لذا فرموده اند: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ (۱۹)».

بنابراین در نگاه پیامبر اسلام، هیچ کدام از محدودیت های جنسیتی، زمانی و مکانی نباید مانع تحصیل علم باشند. علاوه بر آن حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با برداشتن محدودیت دیگری از پیش پای مسلمانان دانش طلب می فرماید که: «خُذُوا الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ

المُشْرِكِينَ (۲۰)»؛) حکمت و علم را فرا گیرید؛ اگر چه از مشرکین باشد). یعنی به نظر آن حضرت، اختلاف عقاید استاد و شاگرد نیز نمی تواند مانع کسب علم و دانش شود.

پی نوشت :

- ۱) (۱) رک: پیام قرآن، مکارم شیرازی، ناصر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶هـ.ش، چاپ نهم، ج ۱، ص ۶۵ .
- ۲) (۲) بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۲هـ.ق، چاپ دوم، ج ۱، ص ۱۸۵ .
- ۳) (۳) رک: پیام قرآن، همان، ص ۶۲ .
- ۴) (۴) بحار الأنوار، همان، ج ۵، ص ۳۱۲ .
- ۵) (۵) پیام قرآن، همان، ص ۶۳ .
- ۶) (۶) همان، ص ۶۷ .
- ۷) (۷) بحارالانوار، همان، ص ۱۶۴ .
- ۸) (۸) پیام قرآن، همان، ص ۶۸ .
- ۹) (۹) فرهنگ معاصر عربی-فارسی، آذرتوش، آذرتاش، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸هـ.ش، چاپ دهم، ص ۱۹۴ .
- ۱۰) (۱۰) پیام قرآن، همان .
- ۱۱) (۱۱) پیام قرآن، همان، ص ۷۲ و ۷۳ .
- ۱۲) (۱۲) بحارالانوار، همان، ص ۱۸۳ .
- ۱۳) (۱۳) پیام قرآن، همان، ص ۷۶ .
- ۱۴) (۱۴) غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح : رجائی، سید مهدی، قم، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰هـ.ق، چاپ دوم، ص ۲۰۲ .
- ۱۵) (۱۵) پیام قرآن، همان، ص ۷۹ .

- . (١٦) شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبه الله، محقق / مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ١٤٠٤هـق، چاپ اول، ج ٢٠، ص ٣١٩ .
- . (١٧) بحار الانوار، همان، ص ١٧٧ .
- . (١٨) همان .
- . (١٩) كشف الأسرار في شرح الإستبصار، جزائري، نعمت الله بن عبد الله، محقق / مصحح: موسوي جزائري، طيب، قم، مؤسسة دار الكتاب، ١٤٠٨هـق، چاپ اول، ج ١، ص ١٧٣ .
- . (٢٠) بحار الانوار، همان، ج ٢، ص ٩٧ .